

بررسی دو رویکرد اساسی در حوزه مطالعات اسلامی درباره گزارش قرآنی از عیسی (ع)

لیلا هوشنگی^۱

چکیده

در سه دهه اخیر بحث از روشها و رویکردها در مطالعات اسلامی، در پی طرح این مباحث در مطالعات تاریخ ادیان در محافل دین‌شناسی بسیار مورد توجه قرار گرفته است. در مطالعه اسلام، دو رویکرد اساسی رامی توان سراغ گرفت: رویکرد الهیاتی و رویکرد تاریخی. در این مقاله کوشیده ایم به کارگیری این رویکردها را در دو اثر مهم باموضوع گزارش قرآنی از عیسی علیه‌السلام (با نظر به تصویر کلی مسیحیت و مسیحیان در قرآن) بررسی کنیم. در اهمیت این موضوع باید گفت این گزارش از سویی، مبنا و هسته شناخت مسلمانان از مسیحیت و مسیحیان است و از سوی دیگر، از همان نخستین مواجهه مسیحیان و عالمان مسیحی در سده‌های نخست هجری تاکنون این موضوع قرآنی از جمله مهمترین و در عین حال مناقشه‌آمیزترین مباحث به شمار می‌آید. در تبیین رویکردها و مسائل روش‌شناسی، آثار دو محقق تاثیرگذار در این حوزه، یعنی ریچارد بل و جفری پاریندر، بررسی شده و به مقایسه پیش فرضها، مبانی روشی و نتایج حاصل از این پژوهشها پرداخته شده است. همچنین با مشخص کردن سنت تحقیقی هر یک از این دو پژوهش، و طرح نکات اصلی و مفاهیم اساسی مورد نظر آنها، بیشتر بر جایگاه و کارکرد خاص متن مقدس در مواجهه با این سنتهای تحقیقی تاکید شده است.

کلید واژه‌ها: مطالعات اسلامی، عیسی (ع) در قرآن، روش‌شناسی، ریچارد بل، جفری

پاریندر.

طرح مساله

در مطالعات اسلامی که به صورت تحقیقات دانشگاهی از سده نوزدهم آغاز شده است، از نظر روش‌شناسی و تجزیه و تحلیل روشهای پژوهشی کنونی در مطالعات اسلامی، اسلام از سه منظر مورد تحقیق قرار می‌گیرد: در مقام دین، تمدن و فرهنگ. بحث از اسلام در مقام دین و رویکردهای مختلف به آن متعلق به دهه‌های اخیر است و این خود به تبع مباحث فراگیر و پراهمیت و در عین حال جذابی است که درباره رویکردها و روش‌شناسی مطالعات دینی و روش تاریخی - مقایسه‌ای مطالعه ادیان مطرح شده است. در نگاهی کلی، مطالعه اسلام به عنوان یک دین، از دو منظر متفاوت انجام شده و این دو دیدگاه کاملاً با یکدیگر اختلاف و منازعه داشته‌اند؛ نخست دیدگاه مبتنی بر الهیات، دیگری مبتنی بر تاریخ. در رویکرد الهیاتی، در درک ادیان «دیگر» ملاک سنجش، اعتقاد نامه‌های مصوب کلیسا و پذیرفته نزد مسیحیان است^۱ و در صورت همخوانی با این اعتقادنامه‌ها می‌تواند مورد توجه قرار گیرد. در رویکرد تاریخی، محققان قائل‌اند باید به توصیف و تجزیه و تحلیل دیگر ادیان به گونه‌ای پرداخته شود که جانب بی‌طرفی از سوی مشاهده‌کننده رعایت شود. اکنون در مطالعات اسلامی شکل افراطی هر دو رویکرد - یکی ذهن‌گرایی ایمان‌مآبانه و دیگری عین‌گرایی علمی - پذیرفته نیست و تلاش در تعدیل آنها صورت می‌گیرد (نک: ریچارد مارتین^۲، ص ۱-۴). مسلماً از دیدگاه مسلمانان این روشها و رویکردها درباره مطالعه اسلام و متن مقدس آن تماماً قابل پذیرش نیست و محققان مسلمان درباره آنها آرای خاص خود را دارند.^۳

گزارش قرآنی از عیسی (ع) و محققان مطالعات اسلامی و قرآنی^۴

در این مقاله به بررسی دو رویکرد اساسی مذکور در موضوع خاص و مهم عیسی در قرآن می‌پردازیم.^۵ گزارش قرآنی از عیسی، مسیحیت (متون مقدس و اعتقادات مسیحی) و مسیحیان از همان صدر اسلام و با نخستین رویارویی مسیحیان با مسلمانان، در کانون توجه علمای مسیحی قرار گرفت و به محور مجادلات تبدیل شد (نک: وات^۶، ص ۹۹-۱۲۱؛ برای آگاهی تفصیلی از جزئیات این مجادلات بنابر کهن‌ترین متون نک: نیومن^۷، ص ۷ به بعد)

با توجه به پیشینه تاریخی مواجهه مسیحیان با مسلمانان، در مقام پیروزمندان عرصه قدرت سیاسی و پیروان دینی جدید، در طی دوره‌های مختلف، طرح این مباحث همیشه به صورت جدالی بود.^۸ اما پس از دوره روشنگری و ظهور دیدگاهها و روشهای نوین تحقیقی، نخستین آثار پژوهشی مبتنی بر نقادی تاریخی در حوزه مطالعات اسلامی و قرآنی پدید آمد. امروزه در موضوع مورد بحث، یعنی عیسی در قرآن، آثار بسیاری به صورت مقاله، تک-نگاری و جز اینها به چاپ رسیده است.^۹ در این حجم انبوه گزینش دو اثر، بیشتر براساس رویکرد و نیز تاثیرگذاری و پیشگام بودن آنها بوده است. یکی کتاب «خاستگاه اسلام در محیط مسیحی آن» اثر ریچارد بل^{۱۰} و دیگری «عیسی در قرآن» اثر جفری پاریندر^{۱۱} که هر یک به ترتیب براساس رویکرد تاریخی و الهیاتی، بنا به ادعای صریح خود مؤلفان (بل، ص ۷؛ پاریندر، ص ۱۰) به این موضوع پرداخته‌اند.^{۱۲}

بررسی اثر بل و روش او

ریچارد بل، محقق اسکاتلندی در دهه ۱۹۳۰ دو جلد ترجمه انگلیسی قرآن را به چاپ رساند.^{۱۳} او در این ترجمه با روش نقادی تاریخی، ترتیب سوره‌های قرآن را با استناد به قول سیوطی مبنی بر این که از دوره ابن عباس در مورد سوره‌های مکی و مدنی اختلاف نظر بوده، تعیین کرد. عملکرد او در به دست دادن ترتیب جدید از سوره براساس اصول متن‌شناسی و زبان‌شناسی بود. وی با دقت در واژگان، سجع و وزن، تشخیص مرجع ضمائر و حضور و تداوم یک نحوه تفکر و با اتکا به جزئیات تاریخی این ترتیب جدید سوره را مطرح کرد. این جسارت بل خشم مسلمانان را برانگیخت. همچنین میان محققان مطالعات اسلامی درباره فرضیه‌های تاریخی - روشی بل و نتایج حاصل از آن مواضع مختلفی پدید آمد.^{۱۴} روش ریچارد بل همچنان تأثیرگذار است، هر چند که این تأثیرگذاری به دور از مناقشه نیست (فایرستون، ۲۰۰۳: ۱۱-۱۲).

اما اثر مهم بل در موضوع مورد نظر ما با عنوان «خاستگاه اسلام در محیط مسیحی آن» در سال ۱۹۲۶ به چاپ رسید. همانگونه که از عنوان اثر بر می‌آید بل در این سلسله سخنرانیها (شامل هفت سخنرانی) کوشید تا زمینه و ریشه‌های مسیحی اسلام و بستر عهدینی قرآن را نمایان سازد.^{۱۵} درباره روش کار خود، بل در مقدمه اثرش (ص ۷) چنین می‌نویسد: «اگر در

به کارگیری روشهای مطالعه علمی محدودیتی هست، در مورد موضوع مطالعه است که نباید مستقیماً الهیاتی باشد. گرایش اولیه (و مقدم) من در این سخنرانیها تاریخی است.» بدین سان او در بحث از گزارش قرآنی از عیسی، مسیحیت و مسیحیان، قرآن را به منزله متنی صرفاً تاریخی و نه متن مقدس تلقی کرده است. بدیهی است بنابر پیش فرضهای بل، همانگونه که به دست دادن ترتیبی جدید از سورهها مشهود است، اتکای صرف وی به جزئیات مسائل تاریخی است. او واریسی ارتباط قرآن و مسیحیت را در متن تاریخ سنتی پذیرفته شده درباره منشأ و سیر تکوین تبلیغ پیام نبوی پیامبر آغاز کرد. او قائل بود به رغم عدم حضور مسیحیان در مکه، طی دوره‌های طولانی، تفکر و فرهنگ مسیحی در مکه نفوذ داشته است (بل، ۱۹۲۶، ۵۶-۶۳). در دوره مدنی، بل با دسته‌بندی زندگانی پیامبر اکرم (ص) براساس آیات به سه دوره به بررسی نحوه ارتباط و سیر آگاهی یافتن ایشان از مسیحیان پرداخت. روش بل تاکید بر بازسازی اصول روانشناختی پیامبر و تجزیه اجزاء پیام وی بود. او بر این نظر بود که سیر اطلاع‌یابی به تدریج گسترده‌تر شده و این خود سبب تغییر مطالب و یا جابه‌جایی آنها شده است و در طی بازنگاری کل مجموعه، اطلاعات جرح و تعدیل شده است (بل، ۱۹۲۶، ۶۷-۷۴؛ فایرستون، ۲۰۰۳، ۱۳-۱۶).

به این ترتیب، بل با نگاهی بدبینانه به طراحی فرضیه خویش درباره قرآن دست یازید و بدیهی است همین امر در بررسی و تحلیل آیات مربوط به عیسی و مسیحیت و مسیحیان نیز به نتایجی انجامید که بیشتر براساس تئوری توطئه قابل توجیه است. البته در این موضوع او ضمن بررسی پیشینه حضور مسیحیان در شبه جزیره به تمام جزئیات و تفصیل حیات پیامبر اکرم (ص) و نیز آیات قرآنی توجه داشت. او بر این نظر است که در بحث از واژگان و القاب و عناوینی که برای عیسی به کار رفته نباید خیلی غور و تفحص کرد و به تعبیری دیگر نباید راه دور رفت. او به سادگی این القاب و اسامی را براساس وضعیت پیامبر اکرم (ص) در مکه و مدینه توجیه می‌کند. به عنوان مثال اصطلاح «نصاری» را قیاسی ساده از وضعیت پیامبر در مدینه و دسته انصار، در مقابل مهاجران، می‌داند و نیازی به ریشه‌شناسی و غور در واژگان زبانهای موجود در شبه جزیره از جمله سریانی و عبری و جز آن و یا بررسی در گزارش عهد جدید نمی‌بیند (بل، ص ۱۴۹-۱۵۰).

بل با بررسی آیات درباره تولد، حیات، وفات و عروج عیسی و دیگر مباحث اعتقادی

مسیحیان تقریباً به تمام اشکالات موجود در اذهان مسیحیان که در مطالعه قرآن پیش می‌آید^{۱۶} اشاره کرد، و براساس روش خود پاسخ داده است (نک: ص ۱۰۷-۱۶۱). ریچارد بل در این اثر کوشیده تا در موارد مشابهت بر وام‌گیری و در موارد اختلاف بر پریشانی اطلاعات و خلط گزارشها دست گذارد. او در خصوص وام‌گیری قائل به نوع ساده وام‌گیری نبود بلکه بیشتر بر نوعی نفوذ ریشه‌دار ایده‌های عهدینی که در داخل مرزهای فرهنگی عربستان به طور عام وجود داشته است اصرار داشت. وی ذهن بسیار بدوی عربها را فاقد ظرفیت درک پیچیدگی «وام-گیری فرهنگی» از مسیحیت می‌دانست (بل، ص ۶۹-۷۰، ۱۰۰-۱۰۴؛ فایرستون، ص ۱۴-۱۵).
 به این ترتیب مطالعه تاریخی - مقایسه‌ای بل به طور کل در نظام فکری (پارادایم) وام-دهی / قرض‌گیری شکل گرفته و به پایان رسیده است. آنچه در این مطالعه بسیار نمایان است رویکرد کاملاً غیرهمدلانه بل است که در پیش‌فرضها و نتایج او تماماً مشهود است. باری، بل و روش وی در این اثر تاکنون بر مطالعات و تحقیقات این حوزه تاثیرگذار بوده است، اما لزوماً به نتایج مشابهی نیانجامیده است.^{۱۷}

بررسی اثر پاریندر و روش او

در اواسط دههٔ شصت میلادی، بیش از سه دهه پس از کتاب بل، اثر پاریندر «عیسی در قرآن» با استقبال محققان مطالعات اسلامی مواجه شد.^{۱۸} پاریندر (ص ۱۰) می‌نویسد که عمده گرایش و علاقه وی الهیاتی / اعتقادی است، البته مراد او از الهیات، الهیات جزمی یعنی اصول اعتقادی مصوب کلیسا نیست. به نظر پاریندر بحثها و عبارات اعتقادنامه‌ها (دگمها) - که قرن‌ها میان مسلمانان و مسیحیان رد و بدل شده - فقط به بن‌بست می‌انجامد.^{۱۹} او متذکر شده است که خصومتها سبب شده تا گزارش قرآنی از عیسی منصفانه تفسیر نشود (ص ۱۱). وی در توضیح روش کار خود می‌نویسد رجوع به متن اصلی، راه‌حل‌گریز از تنگناها و بن‌بست-هاست، البته اذعان دارد که تفکیک متن از سنت سخت و دشوار است. از این رو به تعداد اندکی از احادیث و تفاسیر و تواریخ مراجعه کرده و در مجموع، متن قرآن را مبنا قرار داده است (ص ۱۲-۱۳).

او پرسشهای مربوط به نقد متن را، به رغم علاقه وافر مسلمانان به این بحث، کنار نهاده است و به نقل از موننگمری وات می‌نویسد (ص ۱۰) بدون این که دربارهٔ کلام خدا بودن

قرآن داوری کنم، به سادگی می‌گوییم: «قرآن می‌فرماید».^{۲۰} به این ترتیب پاریندر فارغ از نقادی متن و مباحث آن به واریسی آیات قرآن به مثابه متن مقدس می‌پردازد. او در رویکردی کاملاً همدلانه به تفکیک تمام موضوعات قابل دسته‌بندی در آیات قرآنی می‌پردازد (۱۵ سر عنوان در فصول مستقل مطرح شده است).^{۲۱} پاریندر با تتبع نسبتاً جامعی در ریشه لغات قرآنی درباره عیسی (مشمول بر تمامی نامها و القاب و عناوین وی و مرتبط با وی) مسیحیت و مسیحیان، و با توجه به کاربرد آنها به مقایسه آنها با ریشه لغات و پیشینه و نوع کاربردشان در اناجیل پرداخته است. او در این روش به تفکیک آیات مکی و مدنی دست نزنده و عمدتاً موضوعی پیش‌رفته است.

پاریندر در مقدمه کتاب (ص ۱۰-۱۱) می‌نویسد که وی با توجه به اهمیت متونی که از عیسی نزد مسلمانان و مسیحیان سخن می‌گویند، این مجموعه منضبط را گردآوری کرده است. اما این گزینش نباید سبب غفلت از بقیه بخشهای قرآن شود، منتخب و گزیده یک اثر نمی‌تواند اهل تحقیق را از مطالعه کل آن اثر مستغنی کند. او تاکید دارد مطالعه قرآن برای فهم اسلام ضروری است.

وی در به دست دادن تصویری کلی از قرآن و تعیین جایگاه گزارش قرآنی از عیسی کوشیده است. بنا به نظر پاریندر نمی‌توان تصویر قرآنی از عیسی را از کلیت قرآن جدا کرد، عیسی پیامبر و مسیح است، اما جایگاه او را باید در میان سلسله انبیا دریافت. بحث از انبیا فقط بخشی از قرآن را به خود اختصاص داده است، این متن مملو از مطالب اخلاقی و احکام شرعی است. برخلاف تصور مسیحیان از متن مقدس که مبتنی بر اناجیل است، قرآن شرح زندگانی پیامبر اکرم (ص) و نیز انبیای دیگر نیست (ص ۱۶۶-۱۶۸). اگر گزارش قرآنی از تولد عیسی، مصلوب شدن او و مباحث اعتقادی از جمله تثلیث سبب تحیر مسیحیان شده است، بدین سبب است که به بستر کلی قرآن توجه نشده است.^{۲۲} (ص ۲۱). پیام اصلی قرآن، توحید و تنزیه و تعالی خداوند است، او خالق مطلق است، و او را فرزندی نیست. این چنین است که راز عیسی، تولد و مرگ اسرارآمیز او در صورتی قابل درک است که به پرسش از وحی و ارتباط خدا و انسان از دیدگاه مسلمانان پاسخ داده شود (ص ۱۷۲-۱۷۳). به نظر پاریندر راه حل الهیات برای ارتباط با دنیای جدید فقط در صورتی ممکن است که درباره مفاهیم نبوت، وحی و الهام تجدیدنظر و بازنگری شود.^{۲۳} بدین سان پیروان دیگر ایمانها نیز

برای هم احترامی واقعی قائل خواهند شد. باری به نظر وی پیام اصلی قرآن درباره عیسی این است که او را آیت و نشانه‌ای برای عالم معرفی می‌کند، با این همه قرآن ادعایی ندارد که همه تعالیم عیسی، زندگانی و معجزات او و وفاتش را بیان کرده است^{۲۴} (ص ۱۷۳-۱۷۵).

بررسی مسائل روش‌شناسی

به این ترتیب رویکرد همدلانه پاریندر برخلاف بل، در نظام فکری (پارادایم) فرض‌دهی / وام‌گیری نیست، و صرفاً بر اصالت متن متقدم و گزارش آن اتکا ندارد. وی به جزئیات و تفصیل تاریخی همچون بل نظر نداشته است و مباحث اعتقادی برای او مهمتر است. البته رویکرد الهیاتی پاریندر به این گونه است که وی از سویی به نقد الهیات جزمی پرداخته و از سویی بر محافظه‌کاری مسلمانان در قبال تاریخ نیز چندان صحنه نمی‌گذارد. او بر این باور است که مسیحیت، این ایمان سامی، به زبان یونانی گزارش شده و از این رو با نظر به گزارش قرآنی می‌تواند به اصل و ریشه خود نزدیکتر شود. او در این رویکرد اصالت متون مقدس را مفروض می‌گیرد. دقیقاً همین تلقی از متن مقدس از نکات اصلی فارق میان پاریندر و بل می‌تواند به شمار آید، چرا که بل از پیش فرضهای اساسی‌اش این است که بر بشری بودن متن مقدس کاملاً تصریح دارد. اکنون که مطالعات اسلامی صرفاً در حیطه خاورشناسی - که ظاهراً بل به آن دوره متعلق است - و حیطه مطالعات منطقه‌ای گنجانده نمی‌شود و همچون دیگر ادیان از منظر تاریخ ادیان و روش‌شناسی ادیان از نو بازخوانی شده و مورد مطالعه قرار می‌گیرد، یکی از موضوعات اساسی آن جایگاه قرآن در مقام کتاب مقدس و حیاتی است. نزد جامعه-شناسان دین این پرسش مطرح است که چه عواملی در بقای یک دین موثر است؟ در استمرار تاریخی و حضور جدی یک دین تا حال حاضر متن مقدس تا چه حد موثر بوده و هست؟ از این رو متن مقدس صرفاً اثری تاریخی یا ادبی تلقی نمی‌شود (نک: فایرستون، ص ۱-۳).^{۲۵}

در مجموع، در مطالعات اسلامی و قرآنی سه سنت تحقیقی کلاسیک را می‌توان سراغ گرفت: فقه‌اللغه، تاریخ و نقد ادبی.^{۲۶} اثر پاریندر بیشتر متعلق به سنت فقه‌اللغه است، اما در فضای دلالت معنایی (سمانتیکی) این مطالعه انجام شده است. توضیح آن که رویکرد سمانتیکی در سده اخیر با بهره‌گیری از دانش نوین دلالت‌شناسی، به شکل نظریه‌ای مدون در فهم متون دینی، تکامل یافته است. مبنای این رویکرد نظریه‌ای مهم در معناداری است، براساس

این نظریه معنی در گرو قصد گوینده است و مخاطب سعی می‌کند آنچه را گوینده قصد کرده به دست آورد. در این راه با شیوه‌های کمی به معنی‌شناسی می‌پردازند، معنی‌شناسی کمی را روش تحلیل واژه‌های متن با شیوه‌های آماری می‌دانند.^{۲۷} آنچه در فضای سمانتیکی به منزله یک اصل، تلقی می‌شود، منفعل بودن مخاطب و حفظ بی‌طرفی در شنیدن پیام و سعی در به دست آوردن مقصود گوینده، بدون دخالت ذهنیت شنونده است.^{۲۸} (نک: قراملکی،^{۲۹} ص ۲۰۳-۲۰۶). نکته دیگر که درباره روش پاریندر باید به آن اشاره کرد از این قرار است که به نظر فضل الرحمن (ص ۱۹۲-۱۹۳) از شرایط اساسی در مطالعه علمی اسلام حفظ بی‌طرفی (دوری از تعصب)، ذهن باز و همدلی است که پاریندر را می‌توان برخوردار از این شرایط دانست و این خود زمینه پدید آوردن اثری در خور توجه شده است. و اما روش بل در سنت تحقیقی تاریخ و مطالعات تاریخی می‌گنجد. او سعی کرده تا در مرحله توصیف به چگونگی بسط و تطور اسلام و قرآن، به منزله امری تاریخی، پردازد و به چگونگی ظهور و پیدایش، رشد و تحول، و وضعیت نهایی آن نظر داشته است. همچنین در مرحله تبیین نیز به چرایی مرحله ظهور، رشد و تحول و وضعیت نهایی آن پرداخته است. شاید در آسیب‌شناسی روش بل بتوان بر دو نکته بیشتر دست گذاشت. نخست تقلیل‌گرایی بل که دین و متن مقدس را به هویت تاریخی محض فروکاسته و از جوهر اصلی دیانت، امر قدسی، غفلت ورزیده است؛ و دیگر گرایش اثبات‌گرایی (پوزیتیویستی) اوست که ادعای بی‌طرفی، و طرفداری از عینیت در مواجهه با امر تاریخی را دارد، اما پایبندی به آن اکنون از نظر علمی کاملاً زیر سؤال رفته است.^{۳۰}

در تبیین جایگاه دو سنت تحقیقی مذکور، فقه‌اللغه و تاریخ و تحقیق در متن مقدس به این نقل قول می‌توان بسنده کرد. یاکوب نویسنر^{۳۱}، محقق برجسته یهودی و دین‌شناس معاصر، می‌نویسد: «هر چند از طریق فقه‌اللغه ما معنای هر واژه‌ای از متن را می‌فهمیم، و از طریق تاریخ، می‌دانیم دقیقاً چه واقعه‌ای، در چه زمانی بنا به اشاره متن روی داده است؛ اما همچنان ما متن را درک نکرده و نفهمیده‌ایم. متن دینی فقط این کارکرد را ندارد که نیازهای روش فقه‌اللغه و تاریخ را برآورده سازد (و مشکلات و مسائل آنها را حل کند)، بلکه این نوع متن جایگاه خاص خود را می‌طلبد تا فهمیده شود، یعنی در مقام بیان‌کننده دین است که به طور کامل فهمیده می‌شود. اگر آن را در مقام چیزی جز بیان‌کننده دین قرائت کنیم، دچار سوءفهم می‌شویم.» (مارتین، ص ۱۷)

جمع‌بندی

باری، ضرورت آگاهی از روشها و رویکردها برای پژوهشگران حوزه مطالعات اسلامی و قرآنی و نیز مطالعات تاریخ ادیان امری بدیهی است. همچنین با اطلاع از پیشینه و سیر تکوین و شکل‌گیری این مطالعات می‌توان به دسته‌بندی آثار این حوزه برحسب رویکردها دست یافت. این دسته‌بندیها در آشنایی با نقد و نقادی روشها و رویکردها بسیار مفید و موثر است. به این ترتیب، از یک سو می‌توان از ارائه کارهای تکراری، بی‌ثمر و صرفاً در سطح یک گزارش ساده و گردآوری اطلاعات جلوگیری کرد، و از سویی دیگر، با ارتقاء سطح آگاهی و به کارگیری روشهای نوین، می‌توان راهگشای پژوهشهای جدید بود و گام نهادن در عرصه‌های جدی و جدید را ممکن ساخت.

پی‌نوشت‌ها

۱. زیرا اغلب محققان مطالعات اسلامی و قرآنی یا مسیحی‌اند یا برخاسته از خانواده و فرهنگی مسیحی.
2. Richard C. Martin, "Islam & Religious studies: An Introductory Essay". In *Approaches to Islam in Religious Studies*, ed. R.C. Martin, one world, oxford, 2001.
۳. به نظر فضل‌الرحمان (متوفی ۱۹۸۸ میلادی)، از اندیشمندان و صاحب‌نظران مسلمان اهل پاکستان، در مطالعات اسلامی مشکل اصلی به تفکیک رهیافت درون دینی و بیرون دینی و معمای آن باز می‌گردد و این خود ناظر به پیچیدگی و ابهام موجود در مطالعه تاریخی - مقایسه‌ای است (نک: Fazlur Rahman, "Approaches to Islam in Religious Studies Review Essay", in *ibid*, p. 202)
۴. شایان ذکر است موضوع اصلی این مقاله مطالعات قرآنی به معنای خاص و تخصصی آن نیست، بلکه به نسبی که مباحث این حوزه مرتبط با مطالعات اسلامی و رویکردهای آن می‌باشد مورد نظر بوده است. نخست از این جهت که بنا به نظر اغلب محققان، برای فهم اسلام فهم قرآن ضروری است. دیگر آنکه، در بررسی موضوعات و مباحث مقایسه‌ای میان قرآن و عهدین، توجه به رویکردهای حوزه مطالعات اسلامی لازم است. گفتنی است از به کارگیری عناوین و اصطلاحاتی همچون محققان اروپایی / غربی، خاورشناسان و یا محققان غیرمسلمان که چندان دقیق نیستند پرهیز کرده‌ایم و با توجه به دیدگاهها و روشها عنوان محققان مطالعات اسلامی و قرآنی را برگزیده ایم.

۵. بدیهی است در بررسی رویکرد، نیازی به بررسی ریزمسائل با تمام تفاسیل آن نیست. چنانکه می- دانیم حدوداً ۹۰ آیه از مجموع آیات قرآنی به عیسی، نصاری و اعتقادات و آداب و شعائر و وضعیت اجتماعی ایشان اختصاص یافته است. درباره این مجموعه آیات، و نیز بررسی آنها در احادیث و تفاسیر و کتابهای تاریخی بیش از دهها اثر می توان سراغ گرفت (نک: ادامه مقاله).

۶. مونتگمری وات، برخورد آرای مسلمانان و مسیحیان، تفاهمات و سوء تفاهمات، ترجمه محمدحسین آریا، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، ۱۳۷۳.

7. N. A. Newman (ed. & translator), *The Early Christian- Muslim Dialogue*, IBRI, Pennsylvania, 1993.

۸. این جدال در نامگذاری نیز ظهور می یافت، اغلب اسامی که مسیحیان برای مسلمانان به کار می بردند با استناد به قوم آنها و ملیت ایشان بود و نه دین آنها، از قبیل عربها، ساراسن ها، ترکها و تاتارها. مسلماً این عوامل بیرونی در نوع نگاهی که مسیحیان به متن مقدس مسلمانان، قرآن، داشتند بسیار مشهود و آشکار بود (برای آگاهی بیشتر نک:

Reuven Firestone, "The Quran & the Bible: Some modern Studies of their Relationship", in *Bible & Quran, Essays in Scriptural Intertextuality*, Atlanta, 2003, pp. 2-3.

۹. یکی از بهترین فهرستها در معرفی مهمترین تک نگاریها در کتاب خانم مک اولیف آمده:

Henri Michaud, *Jesus selon le Coran* (Neuchatel: Editions Delachaux et Nicstle, 1960); Geoffrey Parrinder, *Jesus in the Quran* (New York: Barnes and Noble, 1965); Donald Roland Rickards, "A Study of the Quranic References to Isa in the Light of Tafsir and Hadith," Ph.D. diss., Hartford seminary Foundation, 1969; Heikki Raisanen, *Das Koranische Jesusbild: ein Beitrag zur Theologie des Korans* (Helsinki: Missiologian ja Ekumeniikan, 1971); Olaf H. Schumann, *Der Christus der Muslime: christologische Aspekte in der arabisch-islamischen Literatur* (Gutersloh: Gutersloher Verlagshaus Gerd Mohn, 1975); Kenneth Cragg, *Jesus and the Muslin* (London: George Allen and Unwin, 1985). Don Wismer has produced a book-length bibliography entitled *The Islamic Jesus: An Annotated Bibliography of Sources in English and French* (New York: Garland Publishing, 1977). Miguel Asin Palacios has collected the sayings attributed to Jesus that can be found in the works of Muslim authors of the classical period such as Abu 'Umar b. 'Abd Rabbih (d. 3281940), Abu al-Layth al-Samarqandi (d. 3731gg3-94), and Abu Talib al_ Makki (d. 3861998). See his "Logia et Agrapha Domini Jesu apud Moslemicos Scriptorum," *Patrologia Orientalia* 13 (1911il:332-432 and 19 0926): j29-624.

مشخصات کتاب شناختی منبع این فهرست به قرار زیر است:

Jane D. Mc Auliffe, *Quranic Christians*, Cambridge, 1991.

در مروری کلی عناوین این آثار - انجیل مسلمانان، عیسی مسلمانان، مسیحیان قرآنی، تفاسیر اسلامی از مسیحیت - ناظر به تفاوت جدی گزارش قرآنی با تاریخ و اعتقادات مسیحی است. اتخاذ رویکردی واحد در تبیین این تفاوت از مشخصه‌های هر یک از آثار فوق است. در غیر این صورت، مجموعه‌های کثیری پدید آمده‌اند که صرفاً گردآوری و حداکثر گزارش گونه‌ای در این حوزه موضوعی به حساب می‌آیند و در شمار آثار تحقیقی نیستند.

10. Richard Bell, *The origion of Islam in its Christian Environment*, London, 1926 (First ed.), 1968.

11. Geoffrey Parrinder, *Jesus in the Quran*, oxford, 1965 (First ed.), 1996.

۱۲. باید متذکر شد همانگونه که از عنوان اثر بل بر می‌آید، او منحصرأ به بحث از «عیسی در قرآن» نپرداخته، ولی با توجه به اصرار وی بر تاثیرگذاری تام و کامل اعتقادات و فرهنگ مسیحی در شبه جزیره بر اسلام، عمدتاً به گزارش قرآنی از عیسی، مسیحیت و مسیحیان اتکا کرده است. این اثر بل نقطه عطفی در مطالعات اسلامی و قرآنی با رویکرد تاریخی به شمار می‌آید. و اما اثر پاریندر، لزوماً محدود به حوزه مطالعات قرآنی نیست بلکه نظر به مطالعه مقایسه‌ای و طرح مباحث تاریخی در حوزه عامتر مطالعات اسلامی می‌گنجد.

۱۳. بل نکات و پاورقی‌های نسبتاً مفصلی بر این ترجمه نگاشت که سالها بعد مونتگمری وات با تکمله و اصلاحاتی آنها را در اثری با مشخصات کتابشناختی زیر به چاپ رساند:

M. Watt & R. Bell, *An Introduction to the Quran*, Edinburgh, 1970.

۱۴. البته پیش از این، تئودور نولدکه (۱۸۳۶-۱۹۳۰ م.) و شاگردانش در مجموعه‌ای به نام «تاریخ قرآن» که در یک مجلد چاپ شد (۱۹۳۸ م.) به تفصیل درباره ترتیب سور به روش نقادی تاریخی تحقیق کرده بودند، به نظر بل (ص ۶۶) این طرح می‌تواند بهترین ترتیب پیشنهادی سوره‌ها باشد. (برای آگاهی بیشتر از اثر نولدکه نک: دانشنامه جهان اسلام، ذیل «تاریخ قرآن»، نوشته محمدرضا بهشتی).

۱۵. فهرست مطالب (و عناوین سخنرانیها) به قرار زیر است: کلیسای شرقی و محیط مسیحی عربستان؛ مسیحیت در جنوب عربستان و تاثیر آن بر عربها به طور عام؛ آغاز فعالیت دینی محمد (ص)؛ پیامبر (ص) در فرآیند شکل‌دهی؛ موضع پیامبر (ص) نسبت به مسیحیت؛ جماعت‌های مسیحی در فتوحات عرب؛ تاثیرات مسیحی بر اسلام اولیه.

۱۶. نیل رابینسون در این باره می‌نویسد: «امروزه وقتی مسیحیان درباره «عیسی در قرآن» مطالعه می‌کنند، معمولاً گیج و مبهوت می‌شوند. این امر در درجه نخست به علت وجود جزئیاتی است که در انجیل‌های چهارگانه موجود به آنها اشاره نمی‌شود. آنها عبارت‌اند از: پدید آمدن معجزه‌آسای «رطب رسیده» و «نهر روان» پس از زایمان مریم (۱۹: ۲۴-۲۶)، سخن گفتن عیسی در گهواره (۱۹:

۲۳-۲۹)، آفریدن پرنده از گل (۵: ۱۱۰ و ۳: ۴۹) و پرسش حواریون از عیسی مبنی بر این که آیا خدایش قادر است برای آنها مائده آسمانی فرو فرستد (۵: ۱۱۲-۱۱۵).

ویژگی دوم که باعث تحیر [مسیحیان] شده است مخلوط شدن نام مریم و عیسی با شخصیت‌های عهد قدیم می‌باشد که نامی شبیه نام این دو داشته‌اند، بدین گونه که مریم با عنوان «خواهر هارون» مورد خطاب قرار گرفته است (۱۹: ۲۸)؛ گویی که مریم خواهر هارون و [موسی] است. نیز [مطابق قرآن]، عیسی در راه خدا خواهان یارانی شده است (۳: ۵۴ و ۶۱: ۱۴)، گویی که او یوشع بن نون (وصی موسی) است.

سومین زمینه شگفتی‌ساز، برخی انتقادات قرآن به عقاید مسیحیان است که [به نظر آنان] خارج از موضوع است. مسیحیان آگاهانه ادعا نمی‌کنند که «خداوند، سومی از سه است» (۵: ۷۳) یا این که «خدا، مسیح پسر مریم است» (۵: ۷۲) یا این که «عیسی و مادرش دو خدا در کنار خداونداند» (۵: ۱۱۶). نتیجه همه این‌ها آن است که آنها مایلند تا تصویر عیسی در قرآن را محصول اطلاعات محدود و پریشان پیامبر اسلام از مسیحیت دانسته، آن را کنار گذارند» (ص ۱۵۰-۱۵۱).

رابینسون به هر سه مورد پاسخهای متقن و شایسته داده است. در مورد نخست او توضیح می‌دهد که مواردی که اکنون برای مسیحیان امروزی عجیب می‌نماید، معاصران پیامبر اسلام (ص) را متحیر نمی‌ساخته است. منبع اطلاعات مسیحیان معاصر پیامبر (ص) از عیسی و مادرش، مبلغان مذهبی و داستان‌سرایان بوده‌اند. مابقی مسائل را نیز وی با استفاده از روش تفسیر تمثیلی Typology پاسخ داده است. او بر دو اصل پافشاری دارد، انسجام مطالب قرآنی درباره عیسی و دیگر تفسیر خدا محور از رسالت عیسی در قرآن. (نک: نیل رابینسون، «عیسی در قرآن، عیسای تاریخی و اسطوره تجسد»، ترجمه محمد کاظم شاکر، هفت آسمان (سال ۶، ش ۲۴)، زمستان ۱۳۸۳، ص ۱۴۷-۱۶۸) ۱۷. برای نمونه در آثار متأخر باید به مقاله جامع و پر نکته دیوید مارشال اشاره کرد با مشخصات کتابشناختی زیر:

David Marsall, "Christianity in the Quran", in *Islamic Interpretations of Christianity*, Curzon, Britain, 2001.

مارشال در این مقاله دقیقاً بر حسب روش بل، یعنی تکیه بر جزئیات تاریخی و مسائل روانشناختی و با تفکیک آیات مکی و مدنی درباره مجموعه آیات قرآنی درباره مسیحیت به مطالعه و تجزیه و تحلیل پرداخته است. او هر یک از مجموعه آیات مکی و مدنی را در سه دسته‌بندی موضوعی «عیسی و مریم» و «مسیحیان» و «متون مقدس» بررسی کرده است. او با دقت در نوع ارتباطات پیامبر اکرم (ص) با یهودیان و مسیحیان در دوره‌های مختلف و نیز تفکیک مخاطبان آیات (پیامبر اکرم،

یهودیان و مسیحیان) نکات بدیعی را مطرح ساخته است. شاید اصلی‌ترین تفاوت اثر مارشال با ریچارد بل در این است که وی همدلانه به این مطالعه دست زده است و به نتایج افراطی بل کمتر اعتنا کرده است.

۱۸. برای نمونه آربری می‌نویسد: «این اثر شایسته مطالعه است و باید به نحو فراگیری درباره آن به بررسی پرداخت.» ترمینگهام، از صاحب‌نظران حوزه مسیحیت در شبه‌جزیره می‌نویسد: «او (پاریندر) خود را در این اثر شخصیتی با ذهن باز و دارای روحیه‌ای همدلانه نمایانده است.»

۱۹. محمود ایوب می‌نویسد: اصطلاحات عیسی مسیح، پسر مریم، روح خدا، کلمه الهی به منزله پلی است میان ایمان مسیحی و اسلامی، و در عین حال سد الهیاتی عظیمی است میان کلیسای مسیحی و امت مسلمان (نک):

Mahmud M. Ayoub, "Jesus the son of God", in *Christian – Muslim Encounters*, ed. Y.Z. Haddad & W.Z. Haddad, Florida, 1995, pp. 65-66)

۲۰. در آثار پیشین محققان مطالعات اسلامی عمدتاً آیات اینگونه نقل می‌شد که «محمد (ص) می‌فرماید» و این مورد مناقشه مسلمانان قرار می‌گرفت که قرآن را سخن خدا می‌دانند و ترجیح می‌دهند بگویند «خداوند می‌فرماید». پاریندر فارغ از این مناقشات تعبیر «قرآن می‌فرماید» (Quran syas) را برگزیده است.

۲۱. سرفصلهای کتاب از این قرار است: عیسی، ابن مریم، اسامی عیسی، زکریا و یحیی، مریم، بشارت، تولد عیسی، اعمال عیسی، سخنان عیسی، وفات عیسی، عیسی و آینده، پسر خدا، تثلیث، انجیل و مسیحیان.

۲۲. هر چند روش نیل رابینسون، روش تفسیر تمثیلی Typologic است و بیشتر به مباحث متنی (و هر منوتیکی) و اعتقادات جزئی کلیسا توجه دارد، اما می‌توان به نوعی روش او را استمرار روش و نتایج پاریندر شمرد. درباره نکته مذکور نیز رابینسون بر انسجام کامل درونی آیات قرآنی و نیز خدا محور بودن پیام آن به شدت تاکید دارد. به این ترتیب نباید مجموعه‌ای از آیات را جداگانه و بدون توجه به بستر و زمینه کلی قرآن بررسی کرد (نک: ص ۱۵۰-۱۵۶).

۲۳. پاریندر با استناد به باب ۵۱، آیه اول کتاب اشعیا که می‌گوید: «ای پیروان عدالت و طالبان خدا مرا بشنوید، به صخره‌ای که از آن قطع گشته‌اید و به حفرة چاهی که از آن کنده شده‌اید، نظر کنید.» می‌نویسد با نگاه به گذشته است که اسلام و مسیحیت در این بازاندیشی می‌توانند درسهایی به یکدیگر بیاموزند (ص ۱۷۱).

۲۴. دیوید مارشال (ص ۲۴) در توضیح تفاوت اساسی گزارش قرآنی با اناجیل و اعتقادات مسیحی بر این نکته اصرار دارد که در قرآن دیدگاهی از تاریخ دینی وجود دارد که شکل آرمانی ideal مسیحیت را در بردارد و لزوماً به مسیحیت متحقق actual موجود و آموزه‌های محقق آنها نظر نداشته است. همچنین طریف الخالدی تأکید دارد گزارش قرآنی با گزارش اناجیل، قانونی یا قانون ثانوی، مشابهت ندارد زیرا این تصویر قرآنی درصدد تحقق رسالت خاص قرآن است و مبنا درک مسلمانان از این متن مقدس است (نک: طریف الخالدی، الانجیل بروایه المسلمین، دارالنهج، بیروت، ۲۰۰۳، ص ۳-۷ پیش از این، اثر مذکور با این مشخصات چاپ شده است:

Tarif Khalidi, *The Muslim Jesus, Sayings & stories in Islamic Literature*, Harvard university press, Cambridge, London, 2001 (first ed.), 2003 (fourth ed.)

این اثر از تک‌نگاریهای مهم در این حوزه به شمار می‌آید.)

۲۵. رژی بلاشر می‌نویسد: «تلاش محققان مطالعات اسلامی و قرآنی در راه بهتر فهمیدن کتابی است که مورد احترام قسمت بزرگی از جامعه بشری است». (در آستانه قرآن، ترجمه محمود رامیار، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، ۱۳۷۸، ص ۲۸۷)

۲۶. البته در مطالعات اسلامی عام و نه صرفاً ناظر به مطالعات قرآنی باید به چهارمین سنت نیز قائل بود یعنی فلسفه (نک: مارتین، ص ۳) مراد از فقه‌اللغه Philology ریشه‌شناسی واژه‌ها و اصطلاحات است که به شدت متأثر از مکاتب زبانشناسی سده ۱۹ و ۲۰ بوده است.

۲۷. توضیح آن که از طریق شمارش واژگان، بررسی توزیع واژه و مشتقاتش، یافتن کلمات کلیدی و تعیین دقیق ارتباط مفهومی واژگان با محاسبه ریاضیاتی و تحلیل سبک و سیاق نوشتار با نظر به قرینه‌های داخلی و خارجی متن سعی در درک جایگاه واژه در نظام کلی متن دارند.

۲۸. بدیهی است با طرح مباحث هرمنوتیکی این مدل سخت مورد انتقاد قرار گرفته است.

۲۹. احد فرامرز قراملکی، روش‌شناسی مطالعات دینی، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، مشهد، ۱۳۸۰.

۳۰. جز این در مطالعات اسلامی و قرآنی در دهه هفتاد میلادی چالشی نوین پدید آمده است، جان وانز برو John Wansbrough و شاگردانش با به کارگیری روش نقد ادبی به بررسی قرآن پرداخته‌اند. آنها قرآن را صرفاً در مقام متن ادبی - و نه تاریخی - بررسی کرده و به نتایجی رسیده‌اند که مورد انتقاد شدید بسیاری از محققان قرار گرفته است. فارغ از نتایج - به غایت شکاکانه و افراطی - آنها، مبانی روشی این مکتب قابل تأمل است. بهر روی، این مکتب دو روش فقه‌اللغه و تاریخ را در مقام روشهای سنتی سخت مورد مناقشه قرار داده است مسلماً نقدی که از این دیدگاه بر روشهای مذکور مطرح می‌شود، مستلزم آگاهی از مبانی روشی جدیدی است که خود عرضه کرده‌اند و این مستلزم

بحثی است مستقل (برای آگاهی بیشتر نک: اندرو ریپین، «تحلیل ادبی قرآن، تفسیر و سیره: نگاهی به روش‌شناسی جان ونزوبرو»، ترجمه مرتضی کریمی‌نیا، (بولتن مرجع (۶) مطالعات قرآنی در غرب، الهدی، تهران، ۱۳۸۰، ص ۱۲۹-۱۵۱؛ فایرستون، ص ۱۷-۲۲).

31 . Jacob Neusner

فهرست منابع

- ۱- بلاشر، رژی، ۱۳۷۸، در آستانه قرآن، ترجمه محمود رامیار، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- ۲- جفری، آرتور، ۱۳۷۴ واژگان دخیل در قرآن، ترجمه فریدون بدره‌ای. تهران.
- ۳- الخالدی، طریف، ۲۰۰۳، الانجیل بروایه المسلمین، بیروت، دارالنهاری.
- ۴- فرامرز قراملکی، احد، ۱۳۸۰، روش‌شناسی مطالعات دینی، مشهد، دانشگاه علوم اسلامی رضوی.
- ۵- وات، مونتگمری، ۱۳۷۳، برخورد آرای مسلمانان و مسیحیان، ترجمه محمدحسین آریا، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- 6- Ayoub, Mahmud M., 1995, "Jesus the son of God", in Christian – Muslim Encounters, ed. . Haddad , Y.Z & W.Z. Haddad, Florida,, pp. 65-81;
- 7- Bell, Richard , 1968, The origion of Islam in its Christian Environment, Frank Cass & Co. LTD, London, (F.E) 1926, (N.E), impression;
- 8- Firestone, Reuven, 2003, "The Quran & the Bible: Some Modern studies of their Relationship", in Bible & Quran, 1938, Essays in Scriptural Intertextuality, ed. John C. Reeves, Atlanta, , pp. 1-22;
- 9- Jeffrey, Arthur , The Foreign Vocabulary of the Quran, Baroda,;
- 10- Marshall, David, 2001, "Christianity in the Quran", in Islamic Interpretations of Christianity, ed. Liloyd Ridgeon, Curzon, Britain, , pp. 3-29;
- 11- Martin, Richard C. , 2001, "Islam & Religious studies: An Introductory Essay", in Approaches to Islam in Religious Studies, ed. R.C. Martin, one world, oxford, , pp. 1-18;
- 12- McAuliffe, Jane Dammen, 1991, Quranic Christians, An Analysis of classical & Modern Exegesis, Cambridge university press, New York,;
- 13- New man, N.A. 1993, (ed. & translator), The Early Christian – Muslim Dialogue, IBRI, Pennsylvania,;
- 14- Parrinder, Geoffrey, 1996, Jesus in the Quran, One world, oxford, (F.E)

-
- 1965, 1995, Reprinted;
- 15- Rabinson, Neal, 2003, "Jesus" in Encyclopaedia of Quran, Brill, Leiden,;
- 16- Rahman, Fazlur, 2001, "Approaches to Islam in Religious Studies, Review Essay" in Approaches to Islam in Religious Studies, ed. R.C. Martin, One world, oxford, pp. 189-202;
- 17- Watt, M. & R. Bell, An Introduction to the Quran, Edinburgh, university press, Edinburgh, 1970 (First ed.), 1997.

مقالات

- ۱۸- رابینسون، نیل، ۱۳۸۳، «عیسی در قرآن، عیسای تاریخی و اسطوره تجسد خدا»، ترجمه محمد کاظم شاکر، هفت آسمان، سال ششم، شماره ۲۴، زمستان، ص ۱۴۷-۱۶۳.
- ۱۹- ریپین، آندرو، ۱۳۸۰، «تحلیل ادبی قرآن، تفسیر و سیره: نگاهی به روش شناسی جان ونزوبیرو»، ترجمه مرتضی کریمی نیا، بولتن مرجع (۶) مطالعات قرآنی در غرب، الهدی، تهران، ص ۱۲۹-۱۵۱.